

## خوانشی نهادی از نظام مسائل سیاست‌گذاری در حقوق مالکیت؛ مطالعه موردی صنعت نفت ایران<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۰۵

سید جعفر حسینی\*

محمدحسین مهدوی عادل<sup>\*\*</sup>

محمدجواد رزمی<sup>\*\*\*</sup>

### چکیده

شکی نیست هر نوع سیاست‌گذاری کلان در صنعت نفت پیوند تنگاتنگی با حقوق مالکیت خواهد داشت. در این میان، در الگوی تحلیل و توسعه نهادی به‌عنوان یکی از رویکردهای اصلی حوزه حقوق و اقتصاد، از یک سو همانند سایر خوانش‌های نهادی، هر نوع تبیینی از حقوق مالکیت نیازمند پاسخ به چستی این حقوق و شناخت افراد ذی‌حق است و از سوی دیگر، سیاست‌گذاری در هر محیط اقتصادی، پیش از هر چیز، نیازمند احصاء نظام مسائل حاکم بر آن محیط است؛ بنابراین، حسب این چارچوب نهادی، می‌توان با یک پژوهش میان‌رشته‌ای مبتنی بر سه حوزه حقوق، اقتصاد و سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری در موضوع حقوق مالکیت صنعت نفت ایران را که توزیع بخش عمده‌ای از رانت‌ها و امتیازات این صنعت به نتیجه آن وابسته است، منوط به خوانش صحیح از چستی حقوق مالکیت و همچنین، احصاء نظام مسائل این حقوق در بستر صنعت نفت ایران دانست. بر همین اساس، در این پژوهش تلاش شده است تا با رویکردی تحلیلی و مبتنی بر ظرفیت‌های این چارچوب نهادی، ضمن تبیین الگوی کنونی مالکیت در صنعت نفت ایران به تفکیک دو بخش بالادستی و پایین‌دستی، مدلی از نظام مسائل حاکم بر حقوق مالکیت صنعت نفت ایران پیشنهاد گردد. همان‌گونه که مشاهده خواهد شد، الگوی موجود مالکیت صنعت نفت ایران حسب ارتباطات متقابل مجموعه‌ای از متغیرهای نهادی و غیرنهادی، به‌واسطه ۱۳ مسیر مشخص ایجاد شده است که تبیین‌کننده نظام مسائل حاکم بر حقوق مالکیت صنعت نفت ایران هستند و هر نوع سیاست‌گذاری در موضوع حقوق مالکیت، نیازمند توجه به این خوانش ۱۳‌گانه خواهد بود.

### کلمات کلیدی

حقوق مالکیت، اقتصاد نهادی، سیاست‌گذاری، صنعت نفت

\* دکترای اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد، پژوهشگر دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)

sja.hoseini@isu.ac.ir

mh-mahdavi@ferdowsi.um.ac.ir

mjrazmi@um.ac.ir

\*\* استاد دانشگاه فردوسی مشهد

\*\*\* دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

#### مقدمه

در خوانش نهادگرایی از حقوق مالکیت به عنوان یکی از مهم‌ترین رویکردهای اصلی حوزه حقوق و اقتصاد، حقوق مالکیت از موضوعاتی است که برخلاف آنچه اقتصاددانان نئوکلاسیک تصور می‌نمایند، در شکل‌گیری بسیاری از تخصیص‌های ناکارآمد، حتی پس از ایجاد قیمت‌های رقابتی مؤثر است و توزیع منافع و هزینه‌های هر نوع فعالیت اقتصادی عمدتاً معلول رانت‌ها و امتیازاتی است که در نتیجه الگوهای متفاوت مالکیت شکل می‌گیرد (Acemoglu, 1992, pp. 250-251; Schlager and Ostrom, 1992, pp. 250-251; North et al, 2010, p.21; et al, 2005, pp.390-395).

به همین جهت در نگاه اغلب نهادگرایان، خوانش صحیح از حقوق مالکیت نیازمند پاسخ به چستی این حقوق و شناخت افراد ذی‌حق در هر نوع الگوی توزیع مالکیت خواهد بود (Alchian & Demsetz, 1973, p.17; Schlager and Ostrom, 1992, pp.250-251). به عبارت بهتر، در خوانش نهادگرایان از حقوق مالکیت، بیش از آنکه رژیم حقوق مالکیت حائز اهمیت باشد، چگونگی توزیع انواع حقوقی که به کنشگران مختلف اقتصادی در خصوص افعالی نظیر خرید، فروش، اجاره، انتقال، بهره‌برداری، تولید و مصرف تعلق می‌گیرد، حائز اهمیت است (رنانی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۴)؛ زیرا تنظیم متفاوت حقوق مرتبط با این افعال، باعث توزیع از بنیان، متفاوت رانت‌ها و امتیازات میان کنشگران اقتصادی و در نتیجه تقسیم کارهای اجتماعی و اقتصادی مختلف خواهد شد که از منظر نهادگرایان نقش اصلی را در عملکرد و خروجی یک حوزه اقتصادی خواهد داشت (Schlager and Ostrom, 1992, pp.250-251; Acemoglu et al, 2005, pp.390-395; North et al, 2010, p.21).

با این همه و علی‌رغم دستاوردهای متعدد اقتصاد نهادی در موضوع حقوق مالکیت، در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی ایران، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های رویکردهای نهادی، مورد توجه جدی قرار نگرفته است و عموماً، تصور بر آن است که سیاست‌گذاری در موضوع حقوق مالکیت، صرفاً، نیازمند تبیین قوانینی جهت ایجاد مالکیت خصوصی از طریق فروش اموال دولتی به بخش غیردولتی است. هرچند این تصور نادرست از سیاست‌گذاری در حقوق مالکیت در تمامی بخش‌های اقتصاد ایران، می‌تواند مسبب

آسیب‌های جبران‌ناپذیری گردد، اما یقیناً، این چالش‌های سیاستی در صنعت نفت که از یک سو، تأمین و عرضه انرژی مورد نیاز کشور به‌عنوان موتور محرکه تمامی فعالیت‌های اقتصادی در گرو عملکرد مناسب آن است و از سوی دیگر، بنا به دلایل تاریخی، سیاسی و اقتصادی متعدد، توسعه اقتصادی کشور وابسته به آن است، از شدت بیشتری برخوردار است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد تبیین صحیح و مناسب موضوع حقوق مالکیت در صنعت نفت ایران، از ضرورت دوچندانی نسبت به سایر حوزه‌های اقتصادی برخوردار است.

اما تبیین مناسب از حقوق مالکیت، علاوه بر خوانش صحیح از این حقوق، نیازمند آن است که نظام مسائل حقوق مالکیت نیز در هر حوزه اقتصادی از جمله صنعت نفت پیش روی سیاست‌گذار قرار گیرد؛ زیرا سیاست‌گذاری در این حوزه علاوه بر این خوانش، نیازمند آگاهی از چرایی شکل‌گیری الگوی کنونی مالکیت، میان بازیگران مختلف صنعت نفت نیز، خواهد بود. در غیر این صورت، همانند آنچه که در تجربیات گذشته سیاست‌گذاری صنعت نفت ایران، به‌طور مثال، قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت (۱۳۹۱)، مشاهده شده است، به جهت عدم شناخت صحیح از نظام مسائل حقوق مالکیت صنعت نفت ایران، میان مأموریت‌های بازیگران این صنعت و حقوق مالکیت تعلق‌گرفته به آن‌ها تناسبی وجود نخواهد داشت و در نتیجه وظایفی بر عهده بازیگران این صنعت قرار داده می‌شود که هیچ‌گاه محقق نخواهد شد.<sup>۲</sup>

در میان رویکردهای نهادی مختلف، علی‌رغم تأکید اغلب نهادگرایان بر خوانش مناسب از حقوق مالکیت (North, 1973; Alchian & Demsetz, 1973; Demsetz, 1967; e.g. 1990)، بهترین الگویی که به خوبی نسبت به تولید چنین نظام مسائلی اهتمام داشته است و به همین جهت در میان رویکردهای مختلف نهادی، از جایگاه ویژه و منحصربه‌فردی برخوردار است، الگوی موسوم به چارچوب تحلیل و توسعه نهادی<sup>۳</sup> است که ماحصل سال‌ها تحقیقات خانم الینور استرم<sup>۴</sup> برنده جایزه نوبل سال ۲۰۰۹ اقتصاد و همکاران وی در دانشگاه ایندیانا<sup>۵</sup> است و اصطلاحاً از آن به مکتب بلومینگتن<sup>۶</sup> نیز نام برده می‌شود (Aligica & Boettke, 2011, p.29). به همین جهت، مدعای پژوهش حاضر آن است که ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در این چارچوب نهادی، علاوه بر

خوانش مناسب حقوق مالکیت صنعت نفت ایران، قابلیت ارائه نظام مسائل آن را نیز خواهد داشت و بر اساس آن، هدف اصلی این پژوهش ارائه پاسخی مناسب به سؤال زیر است:

مسائل اصلی سیاست‌گذاری در موضوع حقوق مالکیت صنعت نفت ایران از منظر اقتصاد نهادی (با تأکید بر چارچوب تحلیل و توسعه نهادی) چیست؟

در پاسخ به این سؤال، داده‌ها و اطلاعات پژوهش از سه طریق مختلف جمع‌آوری شده است. در وهله نخست، یکی از مهم‌ترین روش‌های دستیابی به اطلاعات و داده‌های مورد نیاز پژوهش، روش اسنادی بوده است که بر اساس آن به مجموعه اسناد، مقالات و کتب مرتبط با موضوع پژوهش مراجعه شده است؛ اما به جهت ویژگی‌های خاص محافظه‌کارانه حاکم بر صنعت نفت که امکان کسب تمامی اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از طریق مطالعات اسنادی را فراهم نمی‌سازد و همچنین عدم اشتغال مستقیم محققان در این صنعت، لاجرم رجوع به آرا و اندیشه‌های خبرگان و استفاده از مصاحبه به‌عنوان منبع دوم دریافت اطلاعات نیز امری ضروری بود. به عبارت بهتر، بخشی از داده‌های مورد نیاز این تحقیق، داده‌هایی است که حسب انجام مصاحبه‌های متعدد با خبرگان این صنعت به دست آمده است. البته، منظور از مصاحبه در این پژوهش، ارائه پرسش‌نامه‌ها و سؤالات مدون در جهت دریافت پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان نبوده است؛ زیرا که چنین مصاحبه‌هایی در بخشی نظیر صنعت نفت، هیچ دستاورد مشخصی نخواهد داشت. در مقابل، انجام مصاحبه‌هایی آزاد و بدون هرگونه محدودیت برای مصاحبه‌شونده و دریافت تمامی نقطه نظرات مصاحبه‌شونده، می‌تواند داده‌های مطمئن‌تری را در اختیار محقق قرار دهد. البته، مسیر گفتگوها در این مصاحبه‌ها بر اساس چارچوب تحلیل و توسعه نهادی و نوع مواجهه این چارچوب نهادی با موضوع حقوق مالکیت بوده است.

همچنین، عموماً بسیاری از محققان علوم اجتماعی در انجام پژوهش‌های کیفی به‌طور عام و مصاحبه به‌طور خاص، به جهت اطمینان نسبت به روایی<sup>۷</sup> و پایایی<sup>۸</sup> داده‌ها و اطلاعات گردآوری‌شده، از چند روش متفاوت جهت دستیابی به اطلاعات و داده‌ها استفاده می‌کنند که اصطلاحاً از آن به رویکرد مثلثی<sup>۹</sup> نام برده می‌شود. این روش‌های

متفاوت، هم می‌تواند شامل مصاحبه با افراد مختلف و هم استفاده از شیوه‌های گوناگون مصاحبه باشد (Berg, 2001, pp.4-5). در این پژوهش نیز، رویکرد مثالی بدین صورت مورد توجه قرار گرفته است که سعی شده است در انجام مصاحبه‌ها از خبرگان این صنعت در سازمان‌هایی با اهداف و شرح وظایف متفاوت استفاده شود. به‌طور مثال، در استفاده از خبرگان این صنعت، علاوه بر فعالان شرکت‌های وابسته به شرکت ملی نفت، به شرکت‌های مشاور خصوصی، محققان دانشگاهی مرتبط با صنعت نفت و متصدیان سازمان‌های نظارتی نیز رجوع شده است. البته، باید دانست که علاوه بر مصاحبه‌های مذکور با برخی از خبرگان این صنعت نیز به‌صورت غیررسمی دیدارهایی انجام گرفت که هرچند ماهیت و نوع این ملاقات‌ها همانند مصاحبه‌های فوق‌الذکر نبود اما در تدوین و دسته‌بندی نتایج از اهمیت زیادی برخوردار بود. در نهایت، در کنار استفاده از منابع اسنادی و مصاحبه، مشاهدات مستقیم محقق در صنعت نفت نیز به‌عنوان منبع سوم گردآوری اطلاعات مورد توجه بوده است که البته نقش آن در یافته‌های تحقیق، نسبت به دو منبع نخست کمتر است.

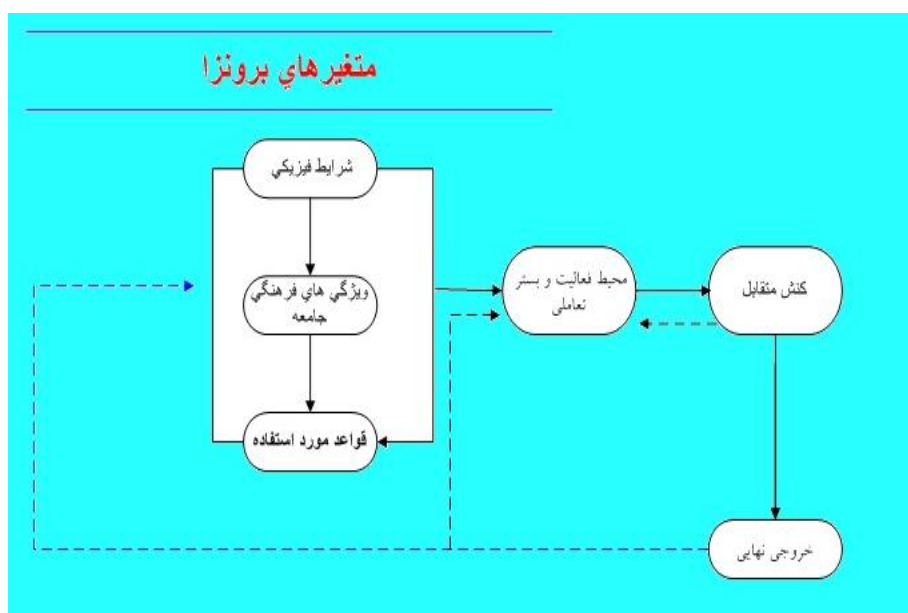
در ادامه، پس از مروری اجمالی بر مباحث نظری چارچوب تحلیل و توسعه نهادی، سعی شده است تا خوانش این چارچوب نهادی از الگوی کنونی مالکیت صنعت نفت ایران تبیین شود. سپس در بخش دوم، مدل سیاستی پیشنهادی در جهت استخراج نظام مسائل حقوق مالکیت صنعت نفت ایران ارائه شده است و در بخش آخر نیز، به نتایج اصلی پژوهش اشاره گردیده است.

## ۱. ادبیات موضوع

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های نهادگرایی استرم با سایر رویکردهای نهادی، تأکید وی بر ضرورت وجود الگویی مشخص برای شناخت مسائل هر محیط اقتصادی به‌عنوان نقطه آغاز سیاست‌گذاری است که نتیجه آن ارائه چارچوب تحلیل و توسعه نهادی بوده است؛ بنابراین، چارچوب تحلیل و توسعه نهادی تبیین‌کننده متغیرهای اصلی‌ای است که حسب احصاء آن‌ها و بررسی ارتباطات متقابل این متغیرها با یکدیگر، مسائل اصلی هر محیط انسانی برای سیاست‌گذاران منکشف می‌شود. همان‌گونه که در شکل شماره

۱ نشان داده شده است، در این چارچوب نهادی شناخت و خوانش مسائل هر نوع کنش جمعی نیازمند احصاء سه نوع از متغیرهای برونزا تحت عنوان شرایط و محدودیت‌های فیزیکی و طبیعی<sup>۱۱</sup>، ویژگی‌های فرهنگی و هنجاری اجتماعات انسانی<sup>۱۲</sup> و قواعد مورد استفاده<sup>۱۳</sup> است (Ostrom, 2005b, p.15; 2011, p.10).

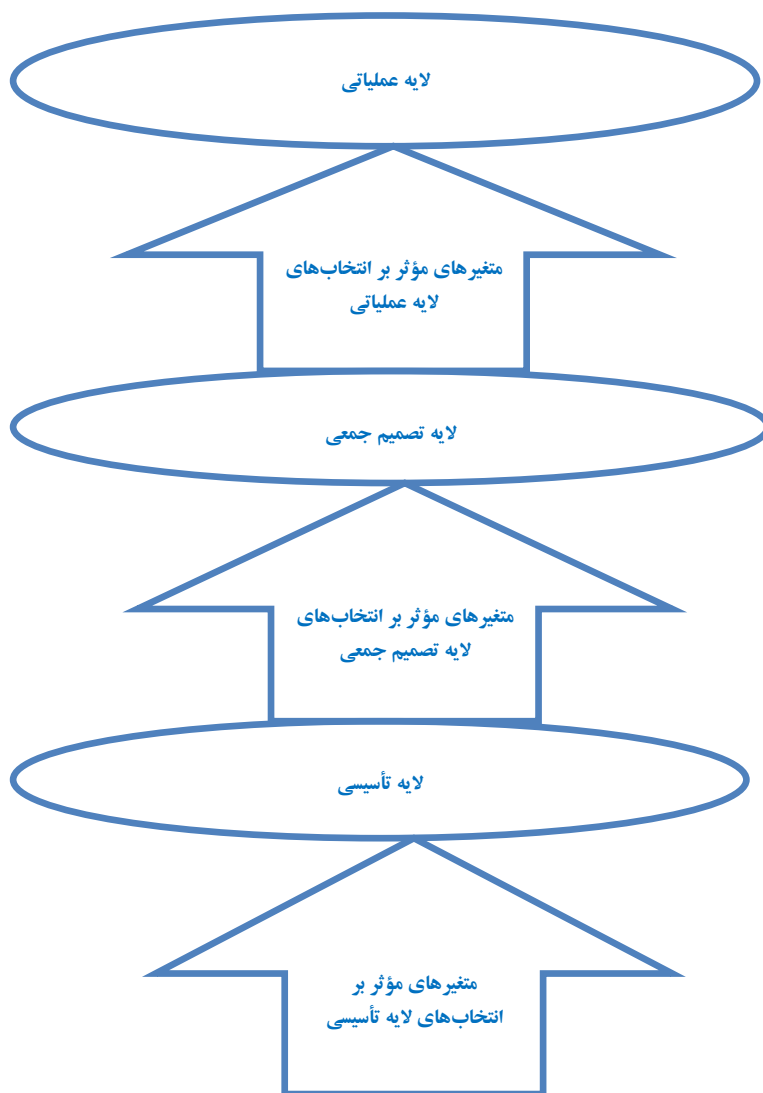
با این همه، هر نوع تحلیل اقتصادی در این سنت نهادی مبتنی بر برش‌های مفهومی متعدد و خوانش‌های چندلایه از این الگوی نهادی است. به عبارت بهتر، زمانی می‌توان از چارچوب تحلیل و توسعه نهادی به عنوان منطق و الگوریتم شناخت مسئله در هر حوزه اقتصادی از جمله صنعت نفت ایران استفاده کرد که بتوان لایه‌های مفهومی دیگری در ذیل هر یک از بخش‌های شکل شماره ۱ به صورت متداخل و تو در تو و حسب اهداف پژوهش تعریف نمود.<sup>۱۳</sup>



شکل شماره ۱: شمای کلی چارچوب تحلیل و توسعه نهادی

مأخذ: Ostrom, 2005b & 2011

به‌طور مثال و همان‌گونه که در شکل شماره ۱ نشان داده شده است، در این نگرش نهادی و در یک برش عمودی، هر فعالیت اقتصادی از سه سطح مختلف عملیاتی<sup>۴</sup>، تصمیم جمعی<sup>۵</sup> و تأسیسی<sup>۶</sup> برخوردار است که در ذیل آن، لایه عملیاتی شامل انواع انتخاب‌های روزانه بازیگران اقتصادی و اجتماعی (چگونگی تولید، بهره‌برداری، مصرف، خرید، فروش، اجاره و نظایر آنها) و لایه تصمیم جمعی شامل سیاست‌گذاری و انواع قاعده‌گذاری‌ها در خصوص نحوه این انتخاب‌های روزانه است. لایه تأسیسی نیز، شامل سیاست‌گذاری در سطوح کلان در خصوص چگونگی قاعده‌گذاری در لایه تصمیم جمعی است (Ostrom, 2005a, pp.842-843). حال چنانچه از میان مجموعه متغیرهای برون‌زای این چارچوب نهادی، رابطه این سه سطح از فعالیت‌های اقتصادی را صرفاً در ارتباط با قواعد مورد استفاده در یک حوزه مشخص نظیر صنعت نفت بررسی نماییم، این چارچوب نهادی، خوانشی از حقوق مالکیت متناسب با سؤال اصلی نهادگرایان در بحث مالکیت تولید می‌نماید که حسب آن، حقوق مالکیت در هر حوزه اقتصادی از جمله صنعت نفت شامل پنج نوع حق دسترسی<sup>۷</sup>، بهره‌مندی<sup>۸</sup>، مدیریت<sup>۹</sup>، انحصار<sup>۱۰</sup> و انتقال<sup>۱۱</sup> خواهد بود که چگونگی توزیع منافع و هزینه‌ها در هر کنش جمعی را میان بازیگران دو لایه عملیاتی و تصمیم جمعی تبیین می‌نماید (Schlager and Ostrom, 1992, pp.250-251).



شکل شماره ۲. سطوح مختلف فعاليت‌هاي اقتصادي از منظر مکتب بلومينگتن

مأخذ: Ostrom.2005a



بر اساس این خوانش نهادی از حقوق مالکیت، دو حق دسترسی و بهره‌مندی، مرتبط با مجموعه حقوق مالکیت کنشگران اقتصادی در لایه عملیاتی است و در ذیل آن، حق دسترسی به مجموعه حقوقی اشاره دارد که جواز ورود به یک تعامل اقتصادی را برای کنشگران آن فراهم می‌آورد و حق بهره‌مندی نیز به مجموعه حقوقی که جواز استفاده، بهره‌برداری، تولید، خرید و یا فروش یک کالا یا خدمت مشخص را ایجاد می‌نماید، دلالت دارد (Schlager and Ostrom, 1992, p.250).

اما سه حق مدیریت، انحصار و انتقال مرتبط با حقوق مالکیت بازیگران اقتصادی در لایه تصمیم جمعی خواهد بود که به‌نحوه قاعده‌گذاری و تمشیت حقوق فوق اشاره دارد (Schlager and Ostrom, 1992, pp.250-251). بر این اساس، حق مدیریت شامل جواز خلق و طراحی قواعدی است که حسب آن‌ها حق بهره‌مندی ایجاد می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، بر اساس این حق، یک فرد نسبت به هرگونه مقررات‌گذاری در خصوص چگونگی بهره‌برداری، استفاده، تولید، خرید، اجاره یا فروش کالا و خدمت مشخصی، دارای صلاحیت است؛ اما دامنه قاعده‌گذاری این کنشگران اقتصادی لزوماً، شامل شرایط ورود و خروج بازیگران اقتصادی به یک موقعیت تعاملی نخواهد بود. بر همین اساس، حق انحصار متعلق به بازیگرانی است که نسبت به تعیین قواعد ورود و خروج به یک موقعیت تعاملی ذی‌حق هستند. در نهایت، گروه دیگری از کنشگران اقتصادی در لایه تصمیم جمعی وجود دارند که علاوه بر آنکه نسبت به چگونگی دسترسی و بهره‌مندی از کالا یا خدمت مشخصی ذی‌حق هستند، حق انتقال بخش یا تمام این حقوق حکمرانانه را نیز خواهند داشت (Schlager and Ostrom, 1992, p.251).

بنابراین، در الگوی تحلیل و توسعه نهادی و حسب این برش عمودی به فعالیت‌های اقتصادی، صحبت از مالک، لزوماً به معنای تعلق تمامی حقوق مالکیت موجود در یک تعامل اقتصادی به یک فرد مشخص نخواهد بود بلکه می‌توان طیفی از بازیگران را در یک فعالیت اقتصادی مشخص در نظر گرفت و فی‌المثل درحالی‌که برخی از کنشگران صرفاً از حق دسترسی و بهره‌مندی برخوردار هستند، دیگری صرفاً از حقوق مرتبط با لایه تصمیم جمعی برخوردار باشند که توجه به این تمایز در شناخت انگیزه‌های بازیگران اقتصادی در هر حوزه سیاستی دارای اهمیت زیادی است.

به طور مثال، در بخش بالادستی صنعت نفت ایران، اصلی ترین کنشگر صنعت نفت ایران، شرکت ملی نفت است که به واسطه مجموعه قواعد رسمی و غیررسمی به صورت انحصاری، عهده دار بخش عمده ای از فعالیت های لایه تصمیم جمعی و لایه عملیاتی است (البته، حسب قانون جدید تشکیل وزارت نفت (۱۳۹۱)، طی دو سال اخیر، اندکی نقش وزارت نفت پررنگ تر شده است)؛ با این همه و علی رغم آنکه بر اساس قوانین رسمی هیچ گونه حق مالکیتی برای بازیگران غیردولتی در این صنعت در نظر گرفته نشده است، اما به واسطه ضعف ساختاری صنعت نفت در مواجهه با کارویژه های لایه تصمیم جمعی، بعضاً بازیگران غیردولتی در قالب قواعد غیررسمی و با ایجاد روابط ناسالم به ویژه در زمان انعقاد انواع قراردادهای خدماتی و پیمانکاری با شرکت های خارجی، بسیاری از قواعد مرتبط با فعالیت در لایه عملیاتی را از طریق لابی های غیررسمی در جهت افزایش منافع خود تمشیت می نمایند و بخشی از حقوق لایه تصمیم جمعی بخش بالادستی به آنها تعلق دارد؛ اما در خصوص حق انحصار و حق انتقال و حسب قواعد موجود، مقام رهبری و بخش تقنینی (مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان)، اصلی ترین کنشگرانی هستند که حسب اختیارات خود، ذی حقان تملک ملموس منابع نفتی را مشخص می سازند.

به طور مشابه در بخش پایین دستی نیز، دولت باز هم اصلی ترین کنشگر داخلی محسوب می شود. بر این اساس، در این بخش هرچند به واسطه قواعد رسمی حاکم بر صنعت نفت جمهوری اسلامی ایران نظیر قانون اساسی، قانون نفت و قانون سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، محصولات پالایشگاهی و پتروشیمی جزء انفال نمی باشد و امکان تعلق حقوق بهره مندی و دسترسی به بازیگران غیردولتی در آن فراهم است، اما به جهت وابستگی بین بخشی شدید الگوی حقوق مالکیت در میان بخش های مختلف صنعت نفت و حضور پررنگ شرکت ملی نفت در بخش بالادستی، عملاً رژیم مالکیت غیردولتی در آن محقق نشده است و معدود بازیگران غیردولتی حاضر در این صنعت نظیر صندوق های بازنشستگی کشوری و لشگری و یا بانک ها، به طریقی وابسته به دولت (بدنه حاکمیتی کشور) هستند و این جابجایی ها صرفاً حسب تکالیف اجباری قوانین و یا بدهی های گسترده دولت ها به صندوق های بازنشستگی

صورت پذیرفته است؛ اما در لایه تصمیم جمعی، علی‌رغم آنکه در خصوص حق مدیریت و حق انتقال، تفاوتی با بخش بالادستی مشاهده نمی‌شود، لیکن پس از اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، حق انحصار در این بخش، به کمیته‌ای متشکل از وزارت نفت و سازمان خصوصی‌سازی واگذار شده است که چگونگی واگذاری یک پالایشگاه و یا سایت پتروشیمی را به بخش‌های مختلف و سهم شرکت ملی نفت پس از اجرای این قانون را مشخص می‌سازد.

جدول شماره ۱. توزیع حقوق مالکیت در صنعت نفت ایران

حق انتقال	حق انحصار	حق مدیریت	حق بهره‌مندی	حق دسترسی	
مقام رهبری / بخش تقنینی	مقام رهبری / بخش تقنینی	شرکت ملی نفت (وزارت نفت) / بازیگران خارجی	شرکت ملی نفت	شرکت ملی نفت	بخش بالادستی
مقام رهبری / بخش تقنینی	شرکت ملی نفت (وزارت نفت) // سازمان خصوصی‌سازی	شرکت ملی نفت (وزارت نفت) / بازیگران بخش عمومی داخلی / بازیگران خارجی	شرکت ملی نفت / بازیگران بخش عمومی داخلی	شرکت ملی نفت / بازیگران بخش عمومی داخلی	بخش پالایشگاهی
مقام رهبری / بخش تقنینی	شرکت ملی نفت (وزارت نفت) // سازمان خصوصی‌سازی	شرکت ملی نفت (وزارت نفت) / بازیگران بخش عمومی داخلی / بازیگران خارجی	بازیگران بخش عمومی داخلی / شرکت ملی صنایع پتروشیمی	بازیگران بخش عمومی داخلی / شرکت ملی صنایع پتروشیمی	بخش پتروشیمی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

حال، حسب آنچه پیشتر بیان شد، تبیین صحیح و مناسب از حقوق مالکیت صنعت نفت ایران، علاوه بر جدول شماره ۱، نیازمند پاسخ به این سؤال است که چرا

چنین الگویی از مالکیت در صنعت نفت ایران ایجاد شده است؟ به عبارت بهتر، هر چند، مطالعه چارچوب حقوق مالکیت در تحلیل نهادی هر حوزه سیاست‌گذاری از جمله صنعت نفت، در نگاه نخست تنها معطوف به ارائه بسته حقوقی فوق‌الذکر است، اما برخلاف تصور، چنین خوانشی، به‌هیچ‌وجه تبیین‌کننده نظام مسائل سیاست‌گذاری در موضوع حقوق مالکیت نخواهد بود و شناخت نظام مسائل صرفاً با خوانش مجدد جدول شماره ۱، حسب ارتباطات متقابل مجموعه‌ای از عوامل و متغیرهای نهادی و غیرنهادی تأثیرگذار بر صنعت نفت به دست خواهد آمد. به عبارت بهتر، چنانچه جدول شماره ۱ را به‌عنوان یکی از خروجی‌های مهم مرتبط با عملکرد صنعت نفت ایران در نظر بگیریم، آنگاه باید بتوان با استفاده از چنین برش مفهومی‌ای چرایی ایجاد چنین الگویی از حقوق مالکیت را در قالب ارتباطات متقابل مجموعه‌ای از متغیرهای نهادی و غیرنهادی تبیین نمود و به‌عنوان ابزار سیاست‌گذاری در حوزه حقوق مالکیت از آن بهره برد.

## ۲. مدل سیاستی پیشنهادی

حسب مباحث پیشین، مجموعه اطلاعات و داده‌های گردآوری‌شده، در قالب چهار برش مفهومی ویژگی‌های فیزیکی و طبیعی، بازیگران، حکمرانی و متغیری به نام شرایط سیاسی که ناظر بر اقتصاد سیاسی حاکم بر صنعت نفت ایران است طبقه‌بندی شده‌اند.<sup>۲۲</sup> و سعی شده است تا با تبیین متداخل وجوه متعدد این برش‌های مفهومی چهارگانه، نظام مسائل صنعت نفت ایران احصاء گردد که اصطلاحاً در این پژوهش به آن نقشه اجتماعی - فنی صنعت نفت ایران اطلاق می‌شود.<sup>۲۳</sup>

بر مبنای این نقشه مفهومی، بزرگی منطقه فعالیت در بخش بالادستی و ضرورت تملک گسترده زمین‌های بایر و دایر، سرمایه‌بر بودن صنعت نفت و اهمیت اقتصاد مقیاس، اقتصاد وسعت و اقتصاد تراکم در آن، اهمیت پیمانکاران و شرکت‌های مدیریت پروژه بزرگ در صنعت نفت و انحصار دولت ایران در این حوزه، وجود نااطمینانی بالا در مبادلات صنعت نفت، سیال بودن منابع و افزایش نقش دولت‌ها در فعالیت‌های لایه عملیاتی میادین مشترک نسبت به میادین مستقل، ضرورت حراست از اطلاعات در

جهت افزایش منافع ملی به جهت وابستگی بین‌بخشی شدید در صنعت نفت و نهایتاً، وابستگی بین‌بخشی بالای تقاضا در صنعت نفت، مهم‌ترین ویژگی‌های فیزیکی و طبیعی صنعت نفت ایران را شکل می‌دهند.

همچنین، بر اساس یک انتزاع ذهنی و برقراری ارتباط معنایی میان این مجموعه از متغیرها، می‌توان بیان داشت که در این مدل سیاستی، بزرگی منطقه فعالیت در بخش بالادستی و ضرورت تملک گسترده زمین‌های بایر و دایر در کنار سیال بودن منابع و افزایش نقش حمایت‌های دولتی در فعالیت‌های لایه عملیاتی میادین مشترک نسبت به میادین مستقل، به جهت ایجاد اهمیت ارتباط با کانون‌های اصلی قدرت در فعالیت‌های لایه عملیاتی بخش بالادستی، سرمایه‌بر بودن صنعت نفت و اهمیت اقتصاد مقیاس، اقتصاد وسعت و اقتصاد تراکم در آن، اهمیت پیمانکاران و شرکت‌های مدیریت پروژه بزرگ در صنعت نفت و انحصار دولت در این حوزه، وابستگی بین‌بخشی بالای تقاضا در صنعت نفت، وجود نااطمینانی بالا در مبادلات صنعت نفت و بزرگی منطقه فعالیت در بخش بالادستی و ضرورت تملک گسترده زمین‌های بایر و دایر در کنار یکدیگر، مجموعاً، به جهت ایجاد هزینه‌های بالای ورود و فعالیت در صنعت نفت ایران، ضرورت حراست از اطلاعات در جهت افزایش منافع ملی به جهت وابستگی بین‌بخشی شدید در صنعت نفت به جهت ایجاد حساسیت‌های امنیتی در صنعت نفت ایران و نهایتاً، سرمایه‌بر بودن صنعت نفت و اهمیت اقتصاد مقیاس، اقتصاد وسعت و اقتصاد تراکم در آن، وابستگی بین‌بخشی بالای تقاضا در صنعت نفت و وجود نااطمینانی بالا در مبادلات صنعت نفت به جهت ایجاد وابستگی بین‌بخشی بالای حقوق مالکیت در صنعت نفت از منظر برش مفهومی ویژگی‌های فیزیکی و طبیعی، در ایجاد الگوی کنونی حقوق مالکیت صنعت نفت ایران و در نتیجه جدول شماره ۱ نقش‌آفرین خواهند بود.

اما در خصوص برش مفهومی بازیگران، محدود بودن تعداد بازیگران، وجود تمایل ساختاری به انحصار در صنعت نفت، امکان ذاتی و ساختاری رانت‌جویی عظیم در صنعت نفت و پیوند شدید و تاریخی الگوی توزیع آن با مباحث فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه ایران، همزمانی خروج شرکت‌های بزرگ بین‌المللی از لایه عملیاتی

صنعت نفت در عرصه جهانی با موج ملی شدن صنعت نفت در خاورمیانه، حافظه تاریخی اشتباه در خصوص کارویژه‌های دولت خیرخواه در صنعت نفت ایران و نهایتاً، بلندمدت بودن حافظه تاریخی در صنعت نفت ایران به واسطه عمق و میزان شیوع بالای مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی شرکت نفت انگلیس - ایران، ویژگی‌های بازیگران صنعت نفت ایران را شکل می‌دهند.

در اینجا نیز، بر اساس یک انتزاع ذهنی و برقراری ارتباط معنایی میان این مجموعه از متغیرها، محدود بودن تعداد بازیگران و وجود تمایل ساختاری به انحصار در صنعت نفت به جهت ایجاد اهمیت ذاتی برای حضور دولت در صنعت نفت، همزمانی خروج شرکت‌های بزرگ بین‌المللی از لایه عملیاتی صنعت نفت در عرصه جهانی با موج ملی شدن صنعت نفت در خاورمیانه در کنار امکان ذاتی و ساختاری رانت‌جویی عظیم در صنعت نفت و پیوند شدید و تاریخی الگوی توزیع این رانت با مباحث فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه ایران به جهت افزایش نقش حافظه سیاسی و اجتماعی ایرانیان در تدوین قوانین صنعت نفت ایران، حافظه تاریخی اشتباه در خصوص کارویژه‌های دولت خیرخواه در صنعت نفت ایران به جهت ضعیف نمودن دولت‌ها در انجام کارویژه‌های لایه تصمیم جمعی و اولویت یافتن تدریجی کارویژه‌های لایه عملیاتی و در نهایت، بلندمدت بودن حافظه تاریخی در صنعت نفت ایران به واسطه عمق و میزان شیوع بالای مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی شرکت نفت انگلیس - ایران در این صنعت به جهت ایجاد حاکمیت ساختار سلسله‌مراتبی و دیوان‌سالار شدید بر نظام تصمیم‌گیری، انحصار و گردش کند اطلاعات و افزایش هزینه ورود و فعالیت در صنعت نفت ایران، از منظر متغیرهای مرتبط با برش بازیگران در ایجاد الگوی کنونی حقوق مالکیت صنعت نفت ایران و در نتیجه جدول شماره ۱ نقش‌آفرین خواهند بود.

در خصوص نقشه مفهومی و متغیرهای متداخل برش مفهومی حکمرانی نیز، تفسیر موجود از مفاهیم انفال، حکومت، دولت، ثروت عمومی و کالای عمومی در قوانین رسمی جمهوری اسلامی ایران، تفسیر حاکم در ایران از کارویژه‌های مالکیت دولتی در صنعت نفت،<sup>۲۴</sup> وجود شیوه‌های انرژی‌محور تخصیص منابع در ایران، انحراف در سیاست‌های توسعه صنعتی ایران به واسطه کارویژه دولت‌ها در تعیین قیمت نفت و

گاز، ورود بازیگران غیردولتی در حوزه قانون‌گذاری صنعت نفت ایران به جهت نقش‌آفرینی بازیگران غیردولتی به‌عنوان کنشگران غیرمولد، عدم وجود وزارت نفت در قالب کارویژه‌های متصور برای آن به جهت نامشخص بودن ارتباط سازمانی آن با شرکت ملی نفت، عدم تمایز میان شئون حاکمیتی و عملیاتی در صنعت نفت ایران و نقش‌آفرینی گسترده شرکت ملی نفت در هر دو لایه عملیاتی و تصمیم‌گیری، اهمیت حضور دولت در مدیریت عرضه و تقاضای انرژی به‌واسطه کارویژه‌های منحصر‌به‌فرد نفت و گاز در اقتصاد مدرن و در نهایت، کارویژه دوگانه صنعت نفت در اقتصاد ایران، حائز اهمیت هستند.

دوباره در ذیل این برش مفهومی نیز، بر اساس یک انتزاع ذهنی و برقراری ارتباط معنایی میان این مجموعه از متغیرها، تفسیر موجود از مفاهیم انفال، حکومت، دولت، ثروت عمومی و کالای عمومی در قوانین رسمی جمهوری اسلامی ایران به جهت تبدیل منابع نفتی به ثروتی دولتی، تفسیر موجود از مفاهیم انفال، حکومت، دولت، ثروت عمومی و کالای عمومی در قوانین رسمی جمهوری اسلامی ایران در کنار تفسیر حاکم در ایران از کارویژه‌های مالکیت دولتی در صنعت نفت به جهت گسترش مالکیت دولت در صنعت نفت به تمامی شئون پنج‌گانه حقوق مالکیت، وجود شیوه‌های انرژی‌محور تخصیص منابع در ایران، عدم وجود وزارت نفت در قالب کارویژه‌های متصور برای آن، کارویژه دوگانه صنعت نفت در اقتصاد ایران، انحراف در سیاست‌های توسعه صنعتی ایران به‌واسطه کارویژه دولت‌ها در تعیین قیمت نفت و گاز و ورود بازیگران غیردولتی در حوزه قانون‌گذاری صنعت نفت ایران مجموعاً، به جهت ایجاد پایداری نهادی در چارچوب حقوق مالکیت موجود صنعت نفت ایران، اهمیت حضور دولت در مدیریت عرضه و تقاضای انرژی به جهت ایجاد اهمیت ذاتی برای حضور دولت در صنعت نفت و نهایتاً، عدم وجود وزارت نفت در قالب کارویژه‌های متصور برای آن، کارویژه دوگانه صنعت نفت در اقتصاد ایران، عدم تمایز میان شئون حاکمیتی و عملیاتی در صنعت نفت ایران و نقش‌آفرینی بازیگران غیردولتی به‌عنوان کنشگران غیرمولد، مجموعاً، به جهت ضعیف نمودن دولت‌ها در انجام کارویژه‌های لایه تصمیم‌گیری و اولویت یافتن تدریجی کارویژه‌های لایه عملیاتی برای دولت‌ها، از منظر

متغیرهای مرتبط با برش حکمرانی در ایجاد الگوی کنونی حقوق مالکیت صنعت نفت ایران و در نتیجه جدول شماره ۱ نقش آفرین خواهند بود.

در نهایت و حسب برش مفهومی‌ای به نام شرایط سیاسی که ناظر بر اقتصاد سیاسی حاکم بر صنعت نفت ایران است، پیوند سیاست‌های انرژی کشورهای پیشرو با سیاست خارجی آن‌ها در منطقه خلیج فارس، حمایت دولت‌های پیشرو از رانت‌جویی شرکت‌های بین‌المللی نفت خام در جهت مدیریت و کنترل صنعت نفت منطقه خلیج فارس، وابستگی بالای مقبولیت یا عدم مقبولیت دولت‌ها به سیاست‌های انرژی، کارکردهای امنیتی گسترده سیاست‌های انرژی، امکان ذاتی و ساختاری رانت‌جویی عظیم در صنعت نفت و پیوند شدید آن با مقبولیت سیاسی دولت‌ها و در نهایت، نقش گسترده رابطه مالی دولت با شرکت ملی نفت در مقبولیت سیاسی دولت‌ها در ایران، به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی‌های سیاسی در نقشه اجتماعی - فنی این صنعت نقش آفرین هستند.<sup>۲۵</sup>

در اینجا نیز، بر اساس یک انتزاع ذهنی و برقراری ارتباط معنایی میان این مجموعه از متغیرها، پیوند سیاست‌های انرژی کشورهای پیشرو با سیاست خارجی آن‌ها در منطقه خلیج فارس در کنار کارکردهای امنیتی گسترده سیاست‌های انرژی و همچنین امکان ذاتی و ساختاری رانت‌جویی عظیم در صنعت نفت و پیوند شدید آن با مقبولیت سیاسی دولت‌ها به جهت ایجاد حساسیت‌های امنیتی در صنعت نفت ایران، حمایت دولت‌های پیشرو از رانت‌جویی شرکت‌های بین‌المللی نفت خام در جهت مدیریت و کنترل صنعت نفت منطقه خلیج فارس به جهت افزایش نقش حافظه سیاسی و اجتماعی ایرانیان در تدوین قوانین صنعت نفت ایران و نهایتاً، وابستگی بالای مقبولیت یا عدم مقبولیت دولت‌ها به سیاست‌های انرژی، نقش گسترده رابطه مالی دولت با شرکت ملی نفت در مقبولیت سیاسی دولت‌ها در ایران و همچنین امکان ذاتی و ساختاری رانت‌جویی عظیم در صنعت نفت و پیوند شدید آن با مقبولیت سیاسی دولت‌ها، مجموعاً، به جهت اهمیت یافتن نقش صنعت نفت در قوت و ضعف سیاسی یک دولت از منظر متغیرهای مرتبط با برش شرایط سیاسی در ایجاد الگوی کنونی حقوق مالکیت صنعت نفت ایران و در نتیجه جدول شماره ۱ نقش آفرین خواهند بود.



حال و بر اساس آنچه در خصوص برش‌های مفهومی فوق بیان گردید، مشخص است که الگوی موجود حقوق مالکیت صنعت نفت ایران در قالب ۱۳ مسیر مشخص، که تبیین‌کننده نظام مسائل حاکم بر حقوق مالکیت این صنعت هستند، ایجاد شده که در شکل شماره ۳ به آن اشاره شده است. همچنین، جدول شماره ۲ نیز، چگونگی نقش‌آفرینی تمامی این ارتباطات متقابل را در ایجاد الگوی کنونی حقوق مالکیت صنعت نفت ایران، به صورت یکجا نشان می‌دهد.



شکل شماره ۳: مسیرهای مؤثر بر شکل‌گیری چارچوب حقوق مالکیت صنعت نفت ایران

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۲.

رابطه میان تحلیل نهادی از حقوق مالکیت و چارچوب حقوق مالکیت صنعت نفت ایران

دلالتهای در چارچوب کنونی حقوق مالکیت	ویژگی
ایجاد حساسیت‌های امنیتی در صنعت نفت ایران	پیوند سیاست‌های انرژی کشورهای پیشرو با سیاست خارجی آن‌ها در منطقه خلیج فارس به واسطه توزیع نامتقارن منابع نفتی + کارکردهای امنیتی گسترده سیاست‌های انرژی + امکان ذاتی و ساختاری رانت‌جویی عظیم در صنعت نفت و پیوند شدید آن با مقبولیت سیاسی دولت‌ها + ضرورت حراست از اطلاعات در جهت افزایش منافع ملی به جهت وابستگی بین‌بخشی شدید در صنعت نفت
نقش صنعت نفت در قوت و ضعف سیاسی یک دولت	وابستگی بالای مقبولیت یا عدم مقبولیت دولت‌ها به سیاست‌های انرژی + نقش گسترده رابطه مالی دولت با شرکت ملی نفت در مقبولیت سیاسی دولت‌ها در ایران + امکان ذاتی و ساختاری رانت‌جویی عظیم در صنعت نفت و پیوند شدید آن با مقبولیت سیاسی دولت‌ها
در نظر گرفتن منابع نفتی به‌عنوان ثروتی دولتی	تفسیر موجود از مفاهیم انفال، حکومت، دولت، ثروت عمومی و کالای عمومی در قوانین رسمی جمهوری اسلامی ایران
تفسیر مالکیت دولت در صنعت نفت به تمامی شئون پنج‌گانه حقوق مالکیت	تفسیر موجود از مفاهیم انفال، حکومت، دولت، ثروت عمومی و کالای عمومی در قوانین رسمی جمهوری اسلامی ایران + تفسیر حاکم در ایران از کارویژه‌های مالکیت دولتی در صنعت نفت
پایداری نهادی حاکم بر چارچوب حقوق مالکیت موجود در صنعت نفت ایران	وجود شیوه‌های انرژی محور تخصیص منابع در ایران + عدم وجود وزارت نفت در قالب کارویژه‌های متصور برای آن به جهت نامشخص بودن ارتباط سازمانی آن با شرکت ملی نفت + کارویژه دوگانه صنعت نفت در اقتصاد ایران + انحراف در سیاست‌های توسعه صنعتی ایران به واسطه کارویژه دولت‌ها در تعیین قیمت نفت و گاز + ورود بازیگران غیردولتی در حوزه قانون‌گذاری صنعت نفت ایران به جهت نقش‌آفرینی

دلالت در چارچوب کنونی حقوق مالکیت	ویژگی
<p>ضعف دولت‌ها در انجام کارویژه‌های لایه تصمیم جمعی و اولویت یافتن تدریجی کارویژه‌های لایه عملیاتی</p>	<p>بازیگران غیردولتی به‌عنوان کنشگران غیرمولد عدم وجود وزارت نفت در قالب کارویژه‌های متصور برای آن به جهت نامشخص بودن ارتباط سازمانی آن با شرکت ملی نفت + کارویژه دوگانه صنعت نفت در اقتصاد ایران + عدم تمایز میان شئون حاکمیتی و عملیاتی در صنعت نفت ایران و نقش‌آفرینی گسترده شرکت ملی نفت در هر دو لایه عملیاتی و تصمیم جمعی + حافظه تاریخی اشتباه در خصوص کارویژه‌های دولت خیرخواه در صنعت نفت ایران + نقش‌آفرینی بازیگران غیردولتی به‌عنوان کنشگران غیرمولد</p>
<p>اهمیت ذاتی حضور دولت در صنعت نفت</p>	<p>محدود بودن تعداد بازیگران + وجود تمایل ساختاری به انحصار در صنعت نفت + اهمیت حضور دولت در مدیریت عرضه و تقاضای انرژی، به‌واسطه کارویژه‌های منحصربه‌فرد نفت و گاز در اقتصاد مدرن</p>
<p>نقش حافظه سیاسی و اجتماعی ایرانیان در تدوین قوانین صنعت نفت ایران</p>	<p>همزمانی خروج شرکت‌های بزرگ بین‌المللی از لایه عملیاتی صنعت نفت در عرصه جهانی با موج ملی شدن صنعت نفت در خاورمیانه + امکان ذاتی و ساختاری رانت‌جویی عظیم در صنعت نفت و پیوند شدید و تاریخی الگوی توزیع این رانت با مباحث فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران + حمایت دولت‌های پیشرو از رانت‌جویی شرکت‌های بین‌المللی نفت خام در جهت مدیریت و کنترل صنعت نفت منطقه خلیج فارس</p>
<p>حاکمیت ساختار سلسله‌مراتبی و دیوان‌سالار شدید بر نظام تصمیم‌گیری صنعت نفت ایران</p>	<p>بلندمدت بودن حافظه تاریخی در صنعت نفت ایران به‌واسطه عمق و میزان شیوع بالای مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی شرکت نفت انگلیس - ایران در این صنعت</p>
<p>انحصار و گردش کند اطلاعات در صنعت نفت ایران</p>	<p>بلندمدت بودن حافظه تاریخی در صنعت نفت ایران به‌واسطه عمق و میزان شیوع بالای مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی شرکت نفت انگلیس - ایران در این صنعت</p>

دلالت در چارچوب کنونی حقوق مالکیت	ویژگی
اهمیت ارتباط با کانون‌های اصلی قدرت در فعالیت‌های لایه عملیاتی بخش بالادستی	بزرگی منطقه فعالیت در بخش بالادستی و ضرورت تملک گسترده زمین‌های بایر و دایر+ سیال بودن منابع و افزایش نقش حمایت‌های دولتی در فعالیت‌های لایه عملیاتی میادین مشترک نسبت به میادین مستقل
بالا بودن هزینه ورود و فعالیت در صنعت نفت ایران	سرمایه‌بر بودن صنعت نفت و اهمیت اقتصاد مقیاس، اقتصاد وسعت و اقتصاد تراکم در آن+ اهمیت پیمانکاران و شرکت‌های مدیریت پروژه بزرگ در صنعت نفت و انحصار دولت در این حوزه + وابستگی بین‌بخشی بالای تقاضا در صنعت نفت + وجود نااطمینانی بالا در مبادلات صنعت نفت + بزرگی منطقه فعالیت در بخش بالادستی و ضرورت تملک گسترده زمین‌های بایر و دایر+ بلندمدت بودن حافظه تاریخی در صنعت نفت ایران به واسطه عمق و میزان شیوع بالای مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی شرکت نفت انگلیس - ایران در این صنعت + محدود بودن تعداد بازیگران
وابستگی بین‌بخشی بالای حقوق مالکیت در صنعت نفت	سرمایه‌بر بودن صنعت نفت و اهمیت اقتصاد مقیاس، اقتصاد وسعت و اقتصاد تراکم در آن + وابستگی بین‌بخشی بالای تقاضا در صنعت نفت + وجود نااطمینانی بالا در مبادلات صنعت نفت

مأخذ: یافته‌های پژوهش

### جمع‌بندی

همان‌گونه که اشاره شد، از منظر نهادگرایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویکردهای اصلی حوزه حقوق و اقتصاد، برخلاف، رویکردهای نئوکلاسیک دانش اقتصاد، نه تنها نمی‌توان با حقوق مالکیت به‌مثابه یک متغیر داده‌شده برخورد نمود بلکه خوانش صحیح

از این حقوق در درک عملکرد و خروجی هر حوزه اقتصادی نقش به‌سزایی خواهد داشت (Schlager and Ostrom, 1992, pp.250-251; Acemoglu et al, 2005:390-395; North et al, 2010, p.21). در این میان، در چارچوب تحلیل و توسعه نهادی، از یک سو همانند سایر خوانش‌های نهادی، هر نوع تبیینی از حقوق مالکیت نیازمند پاسخ به چستی این حقوق و شناخت افراد ذی‌حق است و از سوی دیگر، سیاست‌گذاری در هر محیط اقتصادی، پیش از هر چیز، نیازمند احصاء نظام مسائل حاکم بر آن محیط است؛ بنابراین، حسب این چارچوب نهادی، می‌توان با یک پژوهش میان‌رشته‌ای مبتنی بر سه حوزه حقوق، اقتصاد و سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری در موضوع حقوق مالکیت را که توزیع بخش عمده‌ای از رانت‌ها و امتیازات به نتیجه آن وابسته است، منوط به خوانش صحیح از چستی حقوق مالکیت و همچنین، احصاء نظام مسائل این حقوق در بستر هر حوزه اقتصادی دانست.

از سوی دیگر، شکی نیست هر نوع سیاست‌گذاری کلان در صنعت نفت به‌ویژه در ایران، پیوند تنگاتنگی با حقوق مالکیت خواهد داشت و حسب این تفسیر از حقوق مالکیت، خوانش درست از حقوق مالکیت و استخراج نظام مسائل مرتبط با ایجاد الگوی کنونی مالکیت این صنعت، می‌تواند نخستین گام سیاست‌گذاری‌های کلان صنعت نفت ایران باشد. بر همین اساس، در این پژوهش تلاش گردید تا با رویکردی تحلیلی و مبتنی بر ظرفیت‌های چارچوب تحلیل و توسعه نهادی، ضمن تبیین الگوی کنونی مالکیت در صنعت نفت ایران مدلی از نظام مسائل حاکم بر حقوق مالکیت صنعت نفت ایران پیشنهاد شود.

در این چارچوب، پس از آنکه مجموعه اطلاعات و داده‌های گردآوری‌شده، در قالب چهار برش مفهومی ویژگی‌های فیزیکی و طبیعی، بازیگران، حکمرانی و شرایط سیاسی طبقه‌بندی گردیدند، مشخص شد الگوی موجود مالکیت صنعت نفت ایران حسب ارتباطات متقابل و متداخل مجموعه‌ای از متغیرهای نهادی و غیرنهادی، در قالب ۱۳ مسیر مشخص که تبیین‌کننده نظام مسائل حاکم بر حقوق مالکیت این صنعت هستند ایجاد شده است که جدول شماره ۲ نحوه ایجاد این ارتباطات متقابل را به تفصیل نشان می‌دهد.

بر این اساس، ایجاد حساسیت‌های امنیتی در صنعت نفت ایران، نقش صنعت نفت در قوت و ضعف سیاسی یک دولت، در نظر گرفتن منابع نفتی به‌عنوان ثروتی دولتی، تفسیر مالکیت دولت در صنعت نفت به تمامی شئون پنج‌گانه حقوق مالکیت، پایداری نهادی حاکم بر چارچوب حقوق مالکیت موجود در صنعت نفت ایران، ضعف دولت‌ها در انجام کارویژه‌های لایه تصمیم‌گیری و اولویت یافتن تدریجی کارویژه‌های لایه عملیاتی، اهمیت ذاتی حضور دولت در صنعت نفت، نقش حافظه سیاسی و اجتماعی ایرانیان در تدوین قوانین صنعت نفت ایران، حاکمیت ساختار سلسله‌مراتبی و دیوان‌سالار شدید بر نظام تصمیم‌گیری، انحصار و گردش کند اطلاعات در صنعت نفت ایران، اهمیت ارتباط با کانون‌های اصلی قدرت در فعالیت‌های لایه عملیاتی بخش بالادستی، بالا بودن هزینه ورود و فعالیت در صنعت نفت ایران، وابستگی بین‌بخشی بالای حقوق مالکیت در صنعت نفت که مجموعاً شکل‌دهنده مسائل اصلی حقوق مالکیت در صنعت نفت ایران هستند، ۱۳ مسیری هستند که اصطلاحاً می‌توان از آن‌ها به‌عنوان نظام مسائل حقوق مالکیت صنعت نفت ایران نام برد.

## یادداشت‌ها

۱. مقاله حاضر مستخرج از پایان‌نامه دوره دکتری اقتصاد، اثر نویسنده مسئول و با عنوان "بررسی چارچوب حقوق مالکیت در صنعت نفت ایران از منظر اقتصاد نهادی" است که به راهنمایی آقایان دکتر مهدوی عادل و دکتر رزمی و مشاوره دکتر سلیمی‌فر در دانشگاه فردوسی مشهد به رشته تحریر درآمده است.
۲. به‌طور مثال، در قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب سال ۱۳۹۱، به جهت عدم شناخت الگوی مالکیت کنونی این صنعت و دلالت‌های آن، قانون‌گذار وظایفی حاکمیتی نظیر برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، خط‌مشی‌گذاری، نظارت، صدور مجوز، تأیید صلاحیت و امثالهم را بر عهده وزارت نفت قرار داده است (ماده ۱ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت) که در مقام عمل و به جهت محدودیت‌های برآمده از الگوی کنونی حقوق مالکیت صنعت نفت ایران، وزارت نفت نخواهد توانست چنین مأموریت‌هایی را پیگیری نماید و عملکرد این وزارتخانه در حوزه‌های تولید و فروش نفت خام خلاصه خواهد شد.

3. Institutional Analysis and Development Framework
4. Elinor Ostrom
5. Indiana University
6. Bloomington School
7. Validity
8. Robust or Reliability
9. Triangulation
10. Biophysical Conditions
11. Attributes of Community
12. Rules - in - Use

۱۳. همانگونه که خود استرم بیان می‌کند، این نوع استخراج نظام مسائل همانند کار مهندسان نرم‌افزار است که در آن مجموعه‌ای از نرم‌افزارها علیرغم ظاهر و چینش متفاوت، اما تماماً بر اساس زبان‌های کامپیوتری محدودی نظیر فورتن، پاسکال یا سی++ طراحی شده‌اند و به صورت نرم‌افزارهای مختلفی نظیر نرم‌افزارهای office، به منصفه ظهور می‌رسند؛ به عبارت بهتر، در حالی که چندین نرم‌افزار مبتنی بر یک زبان و قالب مشخص هستند اما به واسطه برش‌های مفهومی متعدد و حسب بسترهای مورد نیاز محققان، قالب زبانی مورد نظر را به اشکال مختلفی باز (Unpack) نموده‌اند (Ostrom, 2005b, p. 180-181)

14. Operational Level
15. Collective – Choice Level
16. Constitutional Level
17. Access Rights
18. Withdrawal Rights
19. Management Rights
20. Exclusion Rights
21. Alienation Rights

۲۲. این برش مفهومی برگرفته از تجربیات استرم در تولید چنین نظام مسائلی در حوزه‌های طبیعی است (Ostrom, 2007, p. 7).

۲۳. برای آگاهی بیشتر از چستی هر یک از برش‌های مفهومی چهارگانه و توضیح بیشتر در خصوص کارویژه‌های هر یک از آنها در صنعت نفت ایران به پایان‌نامه نویسنده مسئول در دانشگاه فردوسی مشهد مراجعه کنید.

۲۴. در صنعت نفت ایران و حسب قواعد رسمی‌ای نظیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون نفت، منابع نفتی جزء انفال بوده و انفال نیز معادل ثروت‌های عمومی‌ای است که مالکیت آن در اختیار حکومت اسلامی قرار دارد؛ بنابراین، مالکیت منابع نفتی متعلق به

حکومت اسلامی است (اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نقل از: نرم افزار لوح حق مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸، ماده ۲ قانون اصلاح قانون نفت، ۱۳۹۰). حال از آنجا که در عرصه اجرایی و سیاستگذاری کشور، ثروت‌های عمومی معادل کالاهای عمومی در نظر گرفته می‌شوند، انفال نوعی کالای عمومی محسوب می‌شود. از سوی دیگر، از آنجا که در قالب دوگان دولت - بازار، کالاهای عمومی نیز کالاهایی با مالکیت دولتی در نظر گرفته می‌شوند، انفال جزء کالاهای متعلق به دولت محسوب می‌شوند؛ بنابراین، مالکیت نفت خام، گاز طبیعی و تمامی منابع هیدروکربوری مرتبط با آنها نظیر میعانات گازی در اختیار دولت است و رژیم حقوق مالکیت نفت و گاز در بخش بالادستی را باید رژیم مالکیت دولتی دانست که بر اساس قوانین مورد نظر، وزارت نفت وظیفه اعمال این مالکیت را برعهده خواهد داشت (ماده ۲ قانون اصلاح قانون نفت، ۱۳۹۰ و ماده ۱ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت). همچنین، از آنجا که اعمال مالکیت دولتی بر منابع نفتی از منظر قانونگذاران ایرانی شامل تمامی حقوق و شئون مالکیت است، فعالیت رسمی بخش غیردولتی در بخش بالادستی صنعت نفت کشور طی چند دهه اخیر، تنها محدود به قراردادهای خدماتی و پیمانکاری بوده است و هیچ یک از حقوق مالکیت لایه عملیاتی صنعت نفت نیز به بخش غیردولتی واگذار نشده است (ماده ۱ و ۲ قانون اصلاح قانون نفت، ۱۳۹۰)؛ به عبارت بهتر، هر چند ممکن است بخش خصوصی داخلی یا خارجی فعالیت‌های عملیاتی، اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از میدین نفت و گاز را برعهده داشته باشد اما هیچگاه مالک نفت و گاز بهره‌برداری شده نخواهد بود و هیچ یک از دو حق دسترسی و بهره‌مندی مرتبط با لایه عملیاتی به فعالان غیردولتی بخش بالادستی تعلق نخواهد گرفت.

۲۵. توجه نمایند که ممکن است که حسب داده‌ها و اطلاعات به دست آمده بتوان از متغیرهای دیگری نیز در جهت تبیین نظام مسائل صنعت نفت ایران نام برد اما به واسطه آنکه این متغیرها و مسائل به دست آمده دلالت مشخصی در حوزه حقوق مالکیت در صنعت نفت ایران نداشته‌اند و به نوعی مسئله حقوق مالکیت صنعت نفت ایران محسوب نمی‌شدند مورد توجه قرار نگرفته‌اند.



### کتابنامه

- رنانی، محسن (۱۳۷۶)، *بازار یا نابازار، بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران*، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، چاپ اول.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰)، «قانون اصلاح قانون نفت»، <http://rc.majlis.ir>
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱)، «قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت»، <http://rc.majlis.ir>.
- معاونت پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۸)، «نرم‌افزار لوح حق (حافظه قوانین)»، مجموعه قوانین و مقررات کشور.

- Acemoglu, Daron, Johnson, Simon and Robinson, James. 1A (2005 of), "Institutions as a Fundamental Cause of Long-Run Growth" *In the Handbook Economic Growth*, Edited by Philippe Aghion and Steven N. Durlauf, Elsevier B.V.
- Alchian, Armen, A & Demsetz, Harold, (1973), "The Property Right Paradigm", *The Journal of Economic History*, Vol. 33(1).
- Alchian, Armen. A, (2008), "Property Rights", *In the encyclopaedia of The New Palgrave Dictionary of Economics*, Edited by Steven N. Durlauf & Lawrence E. Blume, United States: Palgrave Macmillan Press, Second Edition, Vol. 6.
- Aligica, Paul Dragos & Boettke Peter, (2011), "The Two Philosophies' of Ostroms' Institutionalism", *The Policy Studies Journal*, Vol. 39.
- Berg, Bruce L, (2001), *Qualitative Research Methods for the Social Sciences*, United States of America: A Pearson Education Company, Fourth Edition.
- North, Douglass C, Wallis, John Joseph, Webb, Steven B & Weingast, Barry R, (2010), *Limited Access Orders: An Introduction to the Conceptual Framework*, World Bank Publication.
- Ostrom, Elinor (2005a), "Doing Institutional Analysis Digging Deeper Than Markets and Hierarchies", *In the Handbook of New Institutional*

*Economics*, Edited by C. Menard and M. M. Shirley, Netherlands, Springer.

Id. (2005b), *Understanding Institutional Diversity*, United States: Princeton University Press.

Id. (2007), *A Diagnostic Approach for Going Beyond Panaceas*, Workshop in Political Theory and Analysis Bloomington, Indiana University.

Id. (2009), *Beyond Markets and States: Polycentric Governance of Complex Economic Systems*, Prize Noble Lecture.

Id. (2011), "Background on the Institutional Analysis and Development Framework", *The Policy Studies Journal*, Vol. 39.

Schlager, Edella and Ostrom, Elinor, (1992), *Property Rights Regimes and Natural Resources: A conceptual Analysis*, Land Economics, Vol. 68.